

□ معرفی مقالات حدیثی

«مجله دار الحدیث الحسینیه»

حامد جوکار

مجله دار الحدیث الحسینیه، نشریه‌ای است متعلق به مرکز دار الحدیث الحسینیه کشور مراکش (مغرب). این نشریه به صورت سالانه و معمولاً در حجمی حدود چهارصد، پانصد صفحه منتشر می‌شود و آغاز انتشار آن به ۲۶ سال پیش، یعنی ۱۹۸۰ میلادی بازمی‌گردد. دکتر محمد فاروق النبهان (رئیس مرکز دار الحدیث) از همان آغاز، سمت سردبیری این مجله را بر عهده داشته است. ساختار مجله و شیوه چینش مطالب آن، طی شماره‌های مختلف، شاهد تغییراتی بوده است. از شماره یک تا پنج، مطالب مجله در ذیل موضوعاتی چون: علوم قرآن و حدیث، تشریح اسلامی، معرفی شخصیت‌های علمی و پایان‌نامه‌ها قرار دارند. البته این عناوین، همیشه ثابت نبوده و دست‌خوش تغییراتی شده و از سوی دیگر، صفحات اختصاص یافته به هر بخش نیز متغیر است؛ اما از شماره شش مجله به بعد، مطالب هر شماره، در سه بخش: مقالات علمی (المقالات العلمیه)، متون برگزیده (نصوص مختاره) و بحث‌های مقدماتی (أبحاث التمهیدیه) جای می‌گیرند. هر شماره مجله با مقاله‌ای از سردبیر، آغاز می‌شود.

بخشی از مطالب به چاپ رسیده در این مجله، به موضوعات حدیثی اختصاص دارد و با نگاهی به مطالب پانزده شماره نخست آن (۱۴۰۰ - ۱۴۱۸ ق / ۱۹۸۰ - ۱۹۹۸ م) در مجموع، ۲۴ مقاله مرتبط با بحث‌های حدیثی یافت می‌شود که می‌توان آنها را در چند بخش: شخصیت‌شناسی (۱۲ مقاله)، روش‌شناسی (۴ مقاله)، کتاب‌شناسی (۳ مقاله)، مباحث‌شناسی (۵ مقاله)، و بخاری‌پژوهی (۵ مقاله) دسته‌بندی کرد.

بخش یکم: شخصیت‌شناسی

در این بخش، دوازده مقاله مرتبط، با این عناوین، وجود دارند:

- أبو بكر الصديق، منقذ للإسلام

- الإمام ابن شهاب الزهري و مروياته في السيرة النبوية (٥٠ - ٥٨ - ١٢٤ ق)

- المحدث محمد بن عبد السلام الخشني (٢١٨ - ٢٨٦ ق)

- محمد بن وضاح القرطبي (٢٠٠ - ٢٨٧ ق)

- أبو عمر الظلمنكي و آثاره (٣٤٠ - ٤٢٥ ق)

- ابن عبد البر، حافظ المغرب (٣٦٢ - ٤٤٣ ق)

- بين أبي طاهر السلفي و شيوخ الحديث في المغرب (٤٧٨ - ٥٣٠ ق)

- أبو الحسن بن قطان، المحدث الناقد (٥٦٢ - ٦٢٨ ق)

- ابن الأبار المحدث (٥٩٥ - ٦٥٨ ق)

- شخصية أبو بكر السيوطي من خلال كتابه الإتيقان (٨٤٩ - ٩١١ ق)

- العلامة علي بن سليمان الدمتمی (١٢٣٤ - ١٣٠٣ ق)

- المحدثون المغاربة في موسوعتي ميزان الاعتدال للذهبي و لسانه لابن حجر.

غالب این افراد، از محدثان برجسته منطقه مغرب اسلامی هستند.

مقاله «أبو بكر الصديق، منقذ للإسلام» (ش ٢ ص ٣٤٥ - ٣٧٣) از دکتر ابراهیم برکات، با بررسی چگونگی به خلافت رسیدن ابو بكر آغاز شده و در آن به شایستگی‌های ابو بكر، اقدامات عمر و تحرکات مخالفان، پرداخته شده است. مؤلف، تأخیر بیعت امام علی علیه السلام با ابو بكر را فقط به جهت محافظت نمودن قرآن (نه هیچ مخالفتی سیاسی) می‌داند.

در این مقاله، ابو بكر، نخستین مسلمان دانسته شده که با توجه به این که درباره ماهیت رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ پرسشی نکرد، «صديق» لقب گرفت. در ادامه مقاله، از سپاه اسامه و دلیل وقوع جنگ‌های رده و نبردهای مسلمانان با ایرانیان و رومیان، بحث می‌شود. به عقیده دکتر برکات، ابو بكر بر اثر مسموم شدن توسط یهود، وفات نموده است.

مقاله «الإمام ابن شهاب الزهري و مروياته في السيرة النبوية» (ش ٩ ص ٣٢٣ - ٣٧١) را آقای معاذ ججاج، نگاشته است. این مقاله، در دو بخش سامان یافته است. بخش اول به زندگی زهري (م ١٢٤ ق) و ارتباط او با حکومت أمويان می‌پردازد و در عین حال، درباره بودن او را نقد می‌کند. در این بخش، مؤلف به جایگاه علمی ابن شهاب هم می‌پردازد و به تخصص او در حوزه‌های حدیث، تفسیر، قرائات، فقه، انساب و دیگر علوم، اشاره می‌کند؛ ولی خدمت او را به علوم حدیث، از سه جهت ممتاز می‌داند: پیش‌گامی‌اش در ذکر سند، در تدوین حدیث و در نهایت، در ابداع طریقه‌ای نو برای توثیق احادیث با جمع‌آوری طرق متعدد یک حدیث.

عنوان بخش دوم مقاله، «مرويات الزهري في السيرة النبوية» است. نویسنده، در ابتدای این بخش به بررسی مشایخ زهري در بیان سیره نبوی پرداخته و سپس به طرق معمول آن و منابعی

که آن را از صحاح و ... گزارش نموده‌اند، می‌پردازد. اهتمام زهری به کتابت و تدوین حدیث و نگاهی به نگاشته‌های او، مباحث بعدی این مقاله را تشکیل می‌دهد. بررسی انتساب کتاب *المغازی النبویة* به زهری - که از *المصنف عبد الرزاق* استخراج شده، پایان‌بخش این مقاله است که مؤلف با ذکر دلایلی، انتساب آن را به زهری، به کلی رد می‌کند.

مقاله «المحدث محمد بن عبد السلام الخشني و اثره في تأسيس مدرسة الحديث بالاندلس» (ش ۹ ص ۲۴۷ - ۲۸۳) به قلم آقای یوسف بن ماجد، درباره یکی از احیاگران علوم حدیث مغرب در قرن سوم هجری است که در سال ۲۱۸ ق، در قُرطبه به دنیا آمد و در نزد بزرگان آن دیار، به تحصیل علوم پرداخت و سپس با سفری ۲۵ ساله به شرق (حجاز، عراق و مصر) و فراگیری حدیث از بزرگان آن سامان، علوم حدیث را از آن جا وارد مغرب نمود و تأثیری ماندگار بر این مدرسه حدیثی بر جای نهاد. خشنی، به سال ۲۸۶ ق، وفات یافت. در این مقاله به ۷۲ تن از شاگردان او، کتاب *الناسخ و المنسوخ* او و پاره‌ای از حوادث زندگانی‌اش پرداخته شده است.

از دیگر مقالات این بخش، مقاله دکتر نوری معمّر، درباره محمد بن وضّاح بن بزيع قُرطبي (ش ۲ ص ۴۴۹ - ۴۶۴)، مؤسس مدرسه حدیثی در اندلس است. او به سال ۲۰۰ ق، در قُرطبه متولد شد و در سال ۲۸۷ ق، وفات یافت. در این مقاله به اساتید ابن وضّاح در زادگاهش، سفرهای او به شرق و اساتید بسیاری که در این سفرها از آنها بهره گرفته، اشاره شده است. معاصر بودن ابن وضّاح با بسیاری از محدثان بزرگ اهل سنت، از جمله صاحبان صحاح سته و اشتراک او با این بزرگان در مشایخش، اهمیت ویژه‌ای به او داده است.

«أبو عمر الطلمنكي و آثاره في الدراسات الإسلامية بالاندلس» (ش ۱۲ ص ۱۱ - ۴۶)، مقاله دیگری در موضوع شخصیت‌شناسی از استاد عبد اللطيف ليت عمی است. ابو عمر (۳۴۰ - ؟)، از عالمان بزرگ اندلس است که در طلمنکه متولد شد و در قُرطبه مسکن گزید. در این مقاله، به شخصیت او، سفرهایش به مناطق مختلف، اساتید و شاگردانش اشاره شده است. همچنین درباره «حروری بودن» او بحث شده و آثار متعدد وی در حوزه علوم قرآن، علوم حدیث، عقاید و فهرستنگاری، معرفی شده است.

مقاله «ابن عبد البر، حافظ المغرب» (ش ۲ ص ۱۹۱ - ۳۳۰)، به وسیله آقای محمد بنعیش، نوشته شده است. ابن عبد البر (۳۶۲ یا ۳۶۴ یا ۳۶۸ - ۴۶۳ ق)، یکی از برجسته‌ترین و مشهورترین دانشمندان کشور مغرب به شمار می‌رود که در قُرطبه متولد شد، در اشبیلیه مسکن گزید و در اواخر عمر، بین سه منطقه دانیه، بلنسیه و شاطیبه، در رفت و آمد بود.

نویسنده، در ادامه و پس از ذکر نام ۶۲ تن از اساتید ابن عبد البر و یازده نفر از شاگردانش، به برشمردن آثار او در علوم قرآن (۱۴ مورد)، حدیث و فقه (۷ مورد)، تاریخ و سیر (۱۱ مورد)، ادبیات (۶ مورد) و علوم دیگر (۴ مورد) پرداخته و آورده که مشهورترین اثر ابن عبد البر، *الاستیعاب فی*

طبقات الأصحاب، در موضوع تاریخ است. نویسنده، سپس آرا و نظریات او را در عقاید و سیاست، بر می‌شمرد و به اعتقاد او به اجتهاد، و نیز روش عقلی و نقلی او در مباحث حدیثی اشاره می‌کند.

«بین ابی طاهر السلفی و شیوخ الحدیث فی المغرب» (ش ۲ ص ۱۰۳ - ۱۲۶)، مقاله‌های دیگر در شخصیت‌شناسی است که به قلم آقای سعید اعراب، نگاشته شده است. ابو طاهر (۴۷۸ - ۵۳۰ ق)، از عالمان اصفهان است که سفرهای متعددی برای تحصیل علم به بغداد، کوفه، مکه، مدینه و ... انجام داد و در نهایت، اسکندریه را به عنوان محل زندگی برگزید. مؤلف، این مقاله به اختصار به بررسی فعالیت‌های علمی وی، مشایخ و شیوه نقل او در حدیث، پرداخته است. البته ابو طاهر، دارای تألیفات متعددی است که در این مقاله، به طور جداگانه به آنها اشاره نشده است.^۱ بنا بر آنچه در مقاله آمده، ابو طاهر، احادیث را با سند کامل و ذکر محل نقل روایت، همراه با اطلاعات کامل نام و موطن راوی و ارائه تفسیر از روایات و نیز ارزش‌گذاری آنها، نقل می‌نموده است. مقاله با ارائه نمونه‌هایی از روایات ابو طاهر و مکاتبات او با ابو الفضل عیاض^۲ به پایان می‌رسد.

آقای عبد الهادی الحسیسن، در مقاله «أبو الحسن بن القطان المغربي، المحدث الناقد» (ش ۴ ص ۶۵ - ۹۰)، قرن ششم هجری را دوران شکوفایی و به بار نشستن درخت دانش و تفکر در مغرب می‌داند و ابن قطان را محدثی بزرگ و اهل نقد، معرفی می‌نماید که در صدر این جریان، قرار داشت. نام کامل او ابو الحسن علی بن محمد بن عبد الملک است.^۳ وی در سال ۵۶۵ ق، در فاس متولد شد و به سال ۶۲۸ ق، در سجلماسه، درگذشت. در این مقاله، به سیزده تن از اساتید، پنج نفر از شاگردان و پانزده مورد از نگاشته‌های او اشاره شده که مهم‌ترین آنها بیان الوهم و الإیهام است. دکتر سعید اعراب، در مقاله «ابن الأبار المحدث» (ش ۳ ص ۳۵ - ۵۲) می‌کوشد از زاویه یک محدث، به ابن أبار (۵۹۵ - ۶۵۸ ق) بنگرد. وی، یکی دیگر از عالمان مغرب است که کتاب‌های حدیثی متعددی را روایت نموده است. این مقاله به نکته‌سنجی‌های او در نقل حدیث و روایان آن، اهتمام او به نقل روایات عالی‌السند و نقدهای وی بر روایان و روایات، اشاره کرده است. از ابن أبار، هشت اثر در زمینه علوم حدیث، باقی مانده که از میان آنها می‌توان به شرح او بر صحیح البخاری، اشاره کرد. از دیگر مقالات این بخش، مقاله «شخصیة السیوطی من خلال کتابه الإتقان فی علوم القرآن» (ش ۱۱ ص ۱۱ - ۲۲)، از دکتر محمد فاروق نبهان است که به سیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱ ق)، یکی از

۱. از جمله الفضائل الباهرة فی محاسن مصر و القاهرة و معجم‌های سه‌گانه که شامل معجم مشایخ او در اصفهان، معجم مشایخ او در بغداد و معجم مشایخ او در سایر شهرها (معجم السفر) می‌شود (معجم المؤلفین، عمر رضا کحّال: ج ۳ ص ۶۷ الرسالة المستطرفة، کتابی: ص ۱۲۷)

۲. نام او موسی بن عیاض یحصبی (م ۵۴۴ ق) است. وی از عالمان مالکی‌مذهب مغرب و صاحب کتابی به نام الشفاء در زمینه حدیث است (الرسالة المستطرفة: ص ۱۰۶)

۳. در معجم المؤلفین (ج ۲ ص ۵۱۳) درباره او آمده: «فقیه أصولی، محدث، معارف بالرجال من تصانیف: مقالات فی الأوزان والنظر فی حکم النظر».

پرکارترین و نام‌آشناترین دانشمندان اهل سنت و کتاب *الإتقان* او، اختصاص دارد. مؤلف، ابتدا اولین اثر در علوم قرآن (*الهادی*)، اثر ابن مرزبان) و آثار بعدی تا زمان سیوطی را بر می‌شمرد و سپس به چگونگی شکل‌گیری *الإتقان*، همراه با بیان مصادر نقلی، لغوی، بلاغی و ... آن (با ذکر نمونه‌ها) می‌پردازد. مؤلف، ضمن برشمردن تألیفات سیوطی در زمینه علوم قرآن، از جمله: *الدر المنثور*، *ترجمان القرآن*، *مجمع البحرين* و *معترك الأقران فی إعجاز القرآن*، به اجمال به مقایسه بین *الإتقان* و *البرهان* زرکشی پرداخته و به برخی از ویژگی‌ها و امتیازات *الإتقان*، از جمله برخورداری از مقدمه‌ای فخیم، معرفی منابع هر موضوع در آغاز بحث، روشن بودن روش سیوطی در تلخیص کتاب‌های دیگر و توانایی او در نقل نظریات دانشمندان، اشاره می‌کند.

در مقاله «العلامة علی بن سلیمان الدمنتی و إسهاماته فی الدراسات الحدیثية» (ش ۱۰ ص ۳۶۹ - ۴۲۲)، نویسنده آن، آقای عمر لشکر، یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان کشور مغرب، یعنی علامه دمنتی (۱۲۳۴ - ۱۳۰۳ ق) و آثار او را معرفی کرده است.

نویسنده، در این مقاله، از اساتید برجسته و شاگردان مهم دمنتی، یاد کرده است. او دارای تألیفات متعددی بوده که شمار آنها به ۴۷ مورد می‌رسد و بخش قابل توجهی از آنها به مباحث حدیثی اختصاص دارد که از جمله آنهاست: *روح التوشیح علی صحیح البخاری و شی الدبیاج علی صحیح مسلم بن حجاج*. در کنار این تألیفات، دمنتی بیش از شصت اثر حدیثی را از اساتید خویش، گزارش کرده است.

مقاله، در ادامه به شیوه تدریس او که در زمان خویش به دلیل سرعت آن، مشهور و نیز شگفت‌انگیز بوده، پرداخته و جایگاه بلند دمنتی را در بین دانشمندان آن دیار، از جمله علامه کتانی، باز می‌گوید.

نویسنده مقاله «المحدثون المغاربة فی موسوعتی میزان الاعتدال للذَّهَبِي و لسانه لابن حجر» (ش ۵ ص ۷ - ۳۲)، آقای سعید اعراب است. وی در این مقاله، نام پانزده نفر از محدثان مغربی را که در دو کتاب *میزان الاعتدال و لسان المیزان* آمده، استخراج کرده و در مورد هر یک توضیحاتی ارائه نموده است. درباره برخی از این افراد، اتهاماتی مطرح شده که نویسنده، کوشیده است تا حد امکان، به رفع و یا توجیه آنها بپردازد.

بخش دوم: روش‌شناسی

عنوان مقالات مرتبط با این موضوع، از این قرارند:

- المنهج النقلی لعلماء الحدیث

- إختلاف الحدیث للإمام الشافعی (م ۲۰۴ ق) و منهجه فی درء التعارض

- ابن الفرضی (م ۴۰۳ ق)، ناقداً لرواة الحدیث

- تفسیر ابي السعود (م ۹۸۲ ق)، طریقتہ فی العمل بالروایة و

مقاله «المنهج النقلي لعلماء الحديث» (ش ۳ ص ۱۸۷ - ۲۱۶)، به قلم دکتر عایشه عبد الرحمان است. محورهای اصلی این مقاله عبارتند از: بررسی وضعیت علم در عصر حاضر، تعریف حدیث صحیح نزد اهل سنت و ریشه‌یابی این تعریف، و بررسی زمان پیدایش قواعد روش نقلی.

نویسنده، در بخش سوم از مقاله خویش، زمان شکل‌گیری علوم مرتبط با حدیث را، دوره پس از صحابه می‌داند و بر این ادعا، دلایلی اقامه می‌نماید و تأکید می‌کند که پس از شکل‌گیری قواعد روش نقلی بود که علماء، به نقد روایات پرداختند و گام در مسیری تازه نهادند.

آقای حسن القصاب، در مقاله «إختلاف الحديث للإمام الشافعی و منهجه فی دره التعارض» (ش ۱۴ ص ۳۲۹ - ۳۸۱)، پس از ذکر معنای لغوی و اصطلاحی «إختلاف الحديث»، به بررسی اصولی که شافعی در کتاب *إختلاف الحديث* خود، از آنها برای رفع تعارض احادیث، استفاده نموده، می‌پردازد. برخی از این اصول، عبارت‌اند از: مراجعه به قرآن کریم، نظر به روایات دیگر، و رفع تعارض به اعتبار توسعه و تخییر.

مقاله «ابن الفرضی، ناقداً لرواة الحديث» (ش ۸ ص ۲۳۰ - ۲۵۴)، اثر دکتر احمد الیزیدی است که به بررسی شیوه ابن فرضی^۱ پرداخته و کتاب‌های او را به دو بخش: تاریخ و دیگر کتاب‌ها، تقسیم نموده است. در این مقاله، دلایل استواری آرای ابن فرضی و نیز الفاظ جرح و تعدیل نزد او، ذکر شده است و در بخش ملاحظات مقاله، از اسباب جرح نزد او یاد شده که روی هم رفته، تعداد آنها ۲۱ مورد است.

نویسنده مقاله «تفسیر ابی السعود، طریقه فی العمل بالروایة و منهجه فی توظیف القراءات القرآنیة» (ش ۱۵ ص ۱۹۱ - ۲۳۴)، آقای عربی شاموش است. نویسنده، در آغاز، مقصود و هدف ابی سعود^۲ از تألیف کتاب خویش را به دو بخش اصلی و فرعی، تقسیم نموده است. بنا بر آنچه در این مقاله آمده، هدف اصلی او مقابله با موج در حال گسترش شیعه در زمان خویش بوده است و اهداف فرعی او را نیز می‌توان در چند بخش: سیاسی، ادبی و بلاغی، تاریخی، اجتماعی و فقهی، خلاصه کرده است.

ابی سعود، برای تفسیر قرآن، ابتدا از خود قرآن و سپس از احادیث، سود جسته است. او در هنگام تعارض روایات، ردّ العلم و توقف را بهترین روش دانسته و با اسرائیلیات، برخورد بسیار شدیدی داشته است. این مقاله، با بررسی روش استدلال و ترجیح ابی سعود و نیز بررسی ارزش تفسیر او در سه بخش: علمی، ادبی و تاریخی، به پایان می‌رسد.

۱. نام کامل او ابو الولید عبد الله بن محمد بن یوسف (۲۵۱ - ۴۰۳ ق) است و استاد عبد البر و ابن حزم بوده است.

۲. نام کامل او ابو السعود بن محمد بن مصطفی (۸۹۸ - ۹۸۲ ق) است که در *معجم المؤلفین* (ج ۳ ص ۶۹۳) از او با عنوان «الفقیه الاصولی و المفسر الشاعر» یاد شده است. نام تفسیر وی، *ارشاد العقل السلیم الی مزیای الکتاب الکریم* است.

بخش سوم: کتاب‌شناسی

مقالاتی که زیر این عنوان می‌گنجد، از این قرارند:

- فضائل القرآن، اثر ابو عبید القاسم بن سالم

- تحلیل الحدیث فی کتاب عبد الحق الإشبیلی الأحكام الشرعیة (م ۵۸۲ ق)

- مصادر الحفاظ ابن عبد البر القرطبی فی کتابه الاستیعاب.

آقای احمد الخیاطی، در مقاله خویش «فضائل القرآن»، اثر ابو عبید القاسم بن سالم» (ش ۸ ص ۲۳۲ - ۲۵۴)، سعی کرده به معرفی این کتاب بپردازد. وی، ابتدا سه نسخه از نسخه‌های این کتاب را معرفی می‌کند و در بخش بررسی محتوای کتاب، ابتدا سخنی از بروکلیمان درباره محتوای کتاب را نقل کرده و سپس، آن را نقد می‌نماید. مطالب این کتاب، در قالب ۷۴ باب و در سه موضوع: فضائل القرآن، آداب القرآن و معالم القرآن، سامان یافته‌اند.

نویسنده مقاله «تحلیل الحدیث فی کتاب عبد الحق الإشبیلی»،^۱ دکتر ابراهیم بن صدیق است. نویسنده، پس از ذکر تعریف حدیث صحیح نزد اهل سنت، می‌کوشد تا با بررسی کتاب الأحكام الشرعیة^۲، مواضع و نظریات عبد الحق را در این باره به دست آورد. نویسنده، با شمردن مواردی که اتصال سند را بر هم می‌زند، به بیان جهت‌گیری‌های عبد الحق در هر مورد می‌پردازد و نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کند. همچنین در مورد آرای عبد الحق در زمینه مواردی که مخلّ عدالت راوی هستند، نیز با استفاده از متن کتاب، توضیحاتی می‌دهد.

مقاله «مصادر الحفاظ ابن عبد البر القرطبی فی کتابه الاستیعاب» (ش ۱۱ ص ۲۵۵ - ۲۷۲)، به قلم آقای لحسین اجاک، به نگارش درآمده است. نگارنده، ابتدا به ذکر روایت‌های مغربیان از الاستیعاب می‌پردازد و از دو روایت ابن خیر^۳ و وادی اشی^۴، یاد می‌کند. سپس به پنج تن از مغربانی که بر الاستیعاب، مستدرک نوشته‌اند، اشاره می‌کند و در بخش مصادر ابن عبد البر، پس از بیان تفاوت میان مصدر (منبع) و مرجع (مأخذ)، گردآوری تمام مصادر او را تقریباً ناممکن می‌داند.

۱. کتبی، در الرسالة المستطرفة (ص ۱۷۳) از او چنین یاد می‌کند: «المعروف یابن الخراط، الفقیه الحافظ العالم بالحدیث وعلیه المعارف بالرجال، الصالح الزاهد الورع وصاحب التصانیف الكثیره» (الأحكام الشرعیة» (ش ۹، ص ۵۷ - ۹۵).

۲. ایشبیلی، سه کتاب در زمینه احکام دارد: الأحكام الکبری، الأحكام الوسطی و الأحكام الصغری؛ اما در این مقاله اشاره نشده که مراد از الأحكام الشرعیة، کدام یک از این سه کتاب است (همان ص ۱۷۸ - ۱۷۹).

۳. نام او محمد بن خیر بن عمر بن خلیفه (۵۰۲ - ۵۷۵ ق) است از او با القابی چون: مقری، محدث، حافظ، ادیب نحوی و لنوی یاد شده است (معجم المؤلفین: ج ۳ ص ۲۸۳).

۴. در معجم المؤلفین (ج ۳ ص ۱۹۰) آمده: «محمد بن جابر بن محمد... القیسی الوادی اشی... فقیه، محدث، نحوی، لغوی... ولد تبتوس و تفقه علی مذهب المالکیة».

نگارنده، پس از ذکر نام هفت تن از اساتید مؤلف، نام پانزده کتاب از مصادر مصرح و نیز نام ۵۷ کتاب از مصادر غیر مصرح کتاب ابن عبد البر را ذکر می‌نماید.

بخش چهارم: مبناشناسی

در موضوع مبناشناسی، این مقالات به چاپ رسیده:

- مکانة السنّة النبویة فی الحجیة

- مدى إفادة أحادیث الأحاد

- الحدیث الصحیح و أثره فی التشریح

- الحدیث المرسل، حدّه و مذاهب العلماء فیّه

- ضوابط معرفة الحدیث الموضوع عند المحدثین.

مقاله «مکانة السنّة النبویة فی الحجیة» (ش ۱۴ ص ۴۱ - ۷۲)، به قلم آقای محمد یعقوبی خبیزه و درباره جایگاه سنت پیامبر ﷺ در تعالیم اسلامی است. بحث اول این مقاله، به مبدأ و نیز جایگاه سنت نبوی در تعالیم اسلامی اختصاص دارد. بحث دوم نیز به بررسی حجیت سنت نبوی در دو حوزه احکام و عقاید، اختصاص یافته و طی آن، به مطالبی چون تقسیم‌بندی‌های خبر احاد و شروط متأخران در عمل به حدیث ضعیف، پرداخته شده است.

مقاله «مدی إفادة أحادیث الأحاد» (ش ۸ ص ۴۷ - ۷۳)، به وسیله دکتر محمود الخالدی نوشته شده است. نگارنده، ابتدا نظریات گوناگون در مورد «خبر واحد» و تعریف آن را گزارش می‌کند و پس از ارائه تعریف نهایی، دو نظر موجود درباره افاده خبر واحد را به اجمال و همراه استثنائات، بیان می‌کند که از این قرارند: خبر واحد، تنها ظن آور است. خبر واحد، مفید علم است.

در ادامه، نگارنده به نقل نظریات پیروان هر یک از دو نظریه می‌پردازد و حسین بن علی کرابیسی^۱، حارث بن اسد محاسبی^۲، احمد بن خويز منداد^۳ و ابن حزم را تنها پیروان نظریه دوم، معرفی می‌کند. نگارنده، در ادامه، علم مد نظر این چهار نفر را تعریف می‌نماید و در پایان، خود را پیرو نظریه دوم می‌داند.

آقای عبد الصمد العاقل، در مقاله «الحدیث الصحیح و أثره فی التشریح» (ش ۲ ص ۱۸۵ - ۱۹۴)، پس از بیان مقدمه‌ای درباره حدیث، تقسیم‌بندی‌های حدیث به اعتبار سند را ذکر کرده و در ادامه، بر اساس تعاریف اهل سنت، به بیان شروط حدیث صحیح می‌پردازد. وی، بعد از این مطلب،

۱. الحسين بن علی بن یزید الکرابیسی البغدادی الشافعی. محدث، فقیه، أصولی، متکلم، عارف بالرجال بسمع الحدیث الكثير وصحاب الشافعی من تصانیفه أسماء والملسین و کتاب الإمامة (معجم المؤلفین: ج ۱ ص ۴۲۹).

۲. الحارث بن اسد المحاسبی صوفی، متکلم، فقیه، محدث... من تصانیفه: التفکر والاعتبار (همان: ص ۵۱۷).

۳. محمد بن أحمد عبد الله بن خويز المالکی المراقی، فقیه، أصولی. من آثاره: کتاب کبیر فی الخلاف و کتاب فی أصول الفقه (همان: ج ۳ ص ۷۵).

دسته‌بندی‌های حدیث صحیح را نیز مطرح می‌کند و در مورد هر کدام، در چند صفحه توضیحاتی ارائه می‌دهد؛ اما برخلاف آنچه در عنوان مقاله آمده، مطلب بخصوصی دربارهٔ اثر حدیث صحیح در قانون‌گذاری، ارائه نمی‌کند.

مقاله «الحدیث المرسل، حده و مذاهب العلماء فی الإحتجاج به» (ش ۵ ص ۵۵ - ۸۳)، به قلم آقای عمر ازدادو است. نویسنده، در این مقاله، با توجه به اهمیت مبحث حدیث مرسل، کوشیده تا گزارشواره‌ای از نظریات دانشمندان را در این باره، ارائه دهد. بر این اساس ابتدا معنای لغوی و سپس معنای اصطلاحی «ارسال» را ذکر می‌کند و پس از نقل قول‌های گوناگون در این زمینه، همهٔ آنها را در سه بخش، جمع می‌آورد.

در ادامه، نویسنده، جهت گیری‌های دانشمندان در مورد حدیث مرسل را - که شامل حجیت مطلق، رد مطلق و قول به تفصیل است -، نقل می‌کند و مقاله خویش را با ذکر پنج مثال از احادیث مرسل و تفاوت دیدگاه‌ها در مورد آنها به پایان می‌برد.

مقاله «ضوابط معرفة الحدیث الموضوع عند المحدثین» (ش ۴ ص ۹۱ - ۱۰۶)، نوشتاری به قلم آقای ادریس عزوزی است. نویسنده، با توجه به شکل‌گیری فرقه‌های گوناگون در دوران امام علی علیه السلام، این دوره را دورهٔ ظهور «وضع»، معرفی می‌کند و در ادامه، سختگیری‌های بزرگان اهل سنت در برابر «احادیث موضوع» را بازگو می‌نماید.

نویسنده، در بخش دیگری از مقاله، راه شناخت احادیث موضوع را دو طریق توجه به قواعد سندی و متنی، و مراجعه به برخی کتاب‌های مستقل دربارهٔ موضوعات می‌داند و پس از معرفی، برخی قواعد را از چند کتاب - که به قصد مشخص نمودن احادیث موضوع به نگارش درآمده‌اند -، نام می‌برد.

بخش پنجم: بخاری پژوهی

مقالات بخش بخاری پژوهی نیز از این قرارند:

- شروح المغربیة لصحیح البخاری

- افتتاحیات البخاری و ختاماته

- منهج الإمام البخاری فی علم الحدیث

- ثلاثیات الإمام البخاری

- تقطیع الحدیث صنیع البخاری، نمودجاً.

آقای دکتر یوسف الکتانی، در مجلهٔ دار الحدیث، چهار مقاله در موضوع بخاری پژوهی به چاپ رسانده است. مقاله نخست وی، چنین نام دارد: «شروح المغربیة لصحیح البخاری» (ش ۲ ص ۱۲۷ - ۱۵۲). نویسنده، در این مقاله می‌کوشد تا گزارشی از شرح‌های صحیح البخاری را - که به قلم مغربیان نگاشته شده -، ارائه نماید. به باور نویسنده، دومین شرح صحیح البخاری، کتابی است با

عنوان: الضیحة، به قلم ابو جعفر احمد بن نصر الداوودی^۱ که مغربی الأصل و مالکی مذهب بوده و شرحی نیز بر الموطأ مالک به نام التامی دارد.

نویسنده، در ادامه از شیخ محمد سالم المجلسی و کتابش النهر الجاری فی شرح صحیح البخاری نام می‌برد و با ذکر ۴۴ عنوان از شروخی که اهالی مغرب بر صحیح البخاری نگاشته‌اند، مقاله خویش را به پایان می‌برد.

مقاله دوم آقای کتانی، «إفتاحیات البخاری و ختماته» (ش ۴، ص ۱۵ - ۴۶) نام دارد و در مورد کتاب‌هایی است که با عنوان «افتتاحیات» و نیز «ختمات» درباره صحیح البخاری، توسط مغربیان به نگارش درآمده‌اند. نوشتن کتاب‌هایی با این عنوان، از ابتکارات مغربیان و تنها از آن صحیح البخاری است. نویسنده، در ادامه به ذکر عناصر اصلی تشکیل دهنده «افتتاحیات» پرداخته و از ده مورد آنها نام می‌برد.

در بخش دوم مقاله، «ختمات» بخاری مورد بررسی قرار گرفته است. ختمات، جمع «ختمه» و همان مجالس پایانی سلسله درس‌هایی است که دانشیان حدیث، در آنها به املائی حدیث می‌پرداخته‌اند. این مقاله با ذکر هفده مورد از مشهورترین ختمات صحیح البخاری، به پایان می‌رسد. کتانی، در مقاله «منهج الإمام البخاری فی علم الحدیث» (ش ۳ ص ۱۲۳ - ۱۴۲)، بر آن است تا از ره‌گذر بررسی کتاب و نیز برخی نقل قول‌های بخاری، شیوه او را مورد کندوکاو قرار دهد. نویسنده، مدعی است که بخاری، تنها از شیوخی اخذ حدیث می‌کرده که ثقه بوده‌اند و در مورد سایر راویان نیز دقت می‌نموده که آن فرد، نزد خود بخاری و دیگران، ثقه باشد. نویسنده، همچنین نقل احادیث واحد با سند عالی و نیز سند نازل توسط بخاری را هدفمند و او را به جهت مکان و زمان نگارش کتابش، از دیگران، متمایز می‌داند و در ادامه، جرح و تعدیل راویان، توسط بخاری را مبتنی بر تقوای وی می‌داند و با توجه به شرح حال بخاری، ادعا می‌کند که اگر کسی بگوید: «إن فقه البخاری فی تراجمه»، ناصواب نگفته است؛ چرا که بخاری، آنها را از آیات و احادیث، برداشت نموده و در قالب جملات، تعبیه کرده است. بنا به نظر کتانی، تکرار و تقطیع حدیث، یکی دیگر از نوآوری‌های بخاری است که هر کدام، به دلیلی خاص، صورت گرفته است. این مقاله، با تأکید بر برتری شیوه بخاری در میان مسلمانان و حتی اروپاییان به پایان می‌رسد.

آخرین مقاله دکتر کتانی، «ثلاثیات الإمام البخاری» (ش ۵ ص ۳۳ - ۵۴) است. در ابتدا، نگارنده به تبیین جایگاه «سند» در علم حدیث می‌پردازد و سپس، «ثلاثیات» را تعریف می‌نماید. نگارنده، همچنین اختلاف موجود در مورد شمارش ثلاثیات صحیح البخاری را گزارش کرده و این

۱. در مجمع المؤلفین (ج ۱ ص ۳۱۹) آمده: «أحمد بن نصر الله بن أحمد (۷۶۵ - ۸۴۴ ق) ... محدث فقیه، ولد ببغداد ... و توفی بالقاهرة ... من مصنفاته: حواشی علی تنقیح الزرکسی فی الحدیث و فروع ابن مفلح ..»

نکته را خاطر نشان می‌کند که تعداد ثلاثیات، بیش از این تعداد است؛ اما از آن جا که آنها بر اساس شروط بخاری نبوده، در صحیح او ذکر نشده‌اند.

نگارنده، در پایان، همه ثلاثیات را می‌آورد و برخی از شروح و تعلیقات نوشته شده بر آنها را نام می‌برد.

نویسنده مقاله «تقطیع الحدیث صنیع البخاری، نمودجاً»^۱ (ش ۱۲ ص ۲۴۹ - ۲۹۴)، آقای عید الله جودات است. او در این نوشتار، ابتدا دو موضع دانشمندان در مورد نقل به معنا، یعنی عدم جواز نقل به معنا و جواز نقل به معنا را بیان کرده و نظریات پیروان هر کدام از دو موضع را ذکر کرده است.

مسئله دیگری که در این مقاله بدان پرداخته شده، تقطیع حدیث است. نویسنده، در این بخش، شش تعریف از تقطیع، ارائه نموده و موضع گیری‌های گوناگون در قبال آن، از جمله موضع مثبت بخاری را گزارش کرده است.

مطلب پایانی مقاله نیز درباره حدیث «إنما الأعمال بالنیات» و تقطیع آن به وسیله بخاری و مواضع دانشمندان در این باره است.



۱. البته دو مورد نقل به معنا و تقطیع حدیث، از جمله معایب صحیح البخاری به شمار می‌رود؛ اما نویسنده، هیچ توضیحی در این باره ارائه نکرده است.